

علی اصغر حکمت

استاد ممتاز دانشگاه

یادداشت‌هایی از عصر پهلوی

-۵-

ع

م

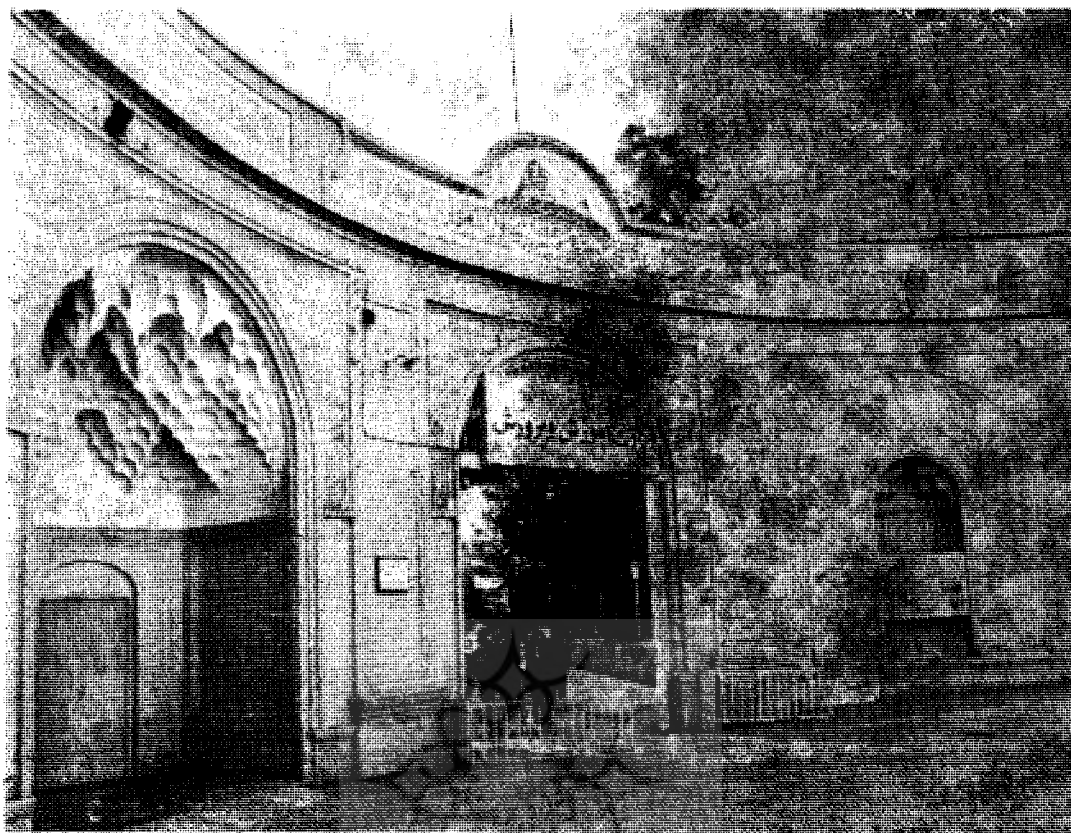
ا

ر

ت

مسعودیه

مسعودیه نام عمارتی است که اکنون محل و مقر وزارت آموزش و پرورش در خیابان اکباتان است و از بناهای مهم و معروف شهر تهران می‌باشد که در اواخر قرن سیزدهم (در حدود ۱۲۹۰ هـ ق) بنا شده و بانسی آن سلطان مسعود میرزا ظل‌السلطان پسر ارشد مرحوم ناصرالدین‌شاه بوده است که آنرا به اسم خود موسوم ساخته و مسعودیه‌اش نامیده. این کاخ رفیع و عمارت منیع تاریخچه قابل ذکر دارد.



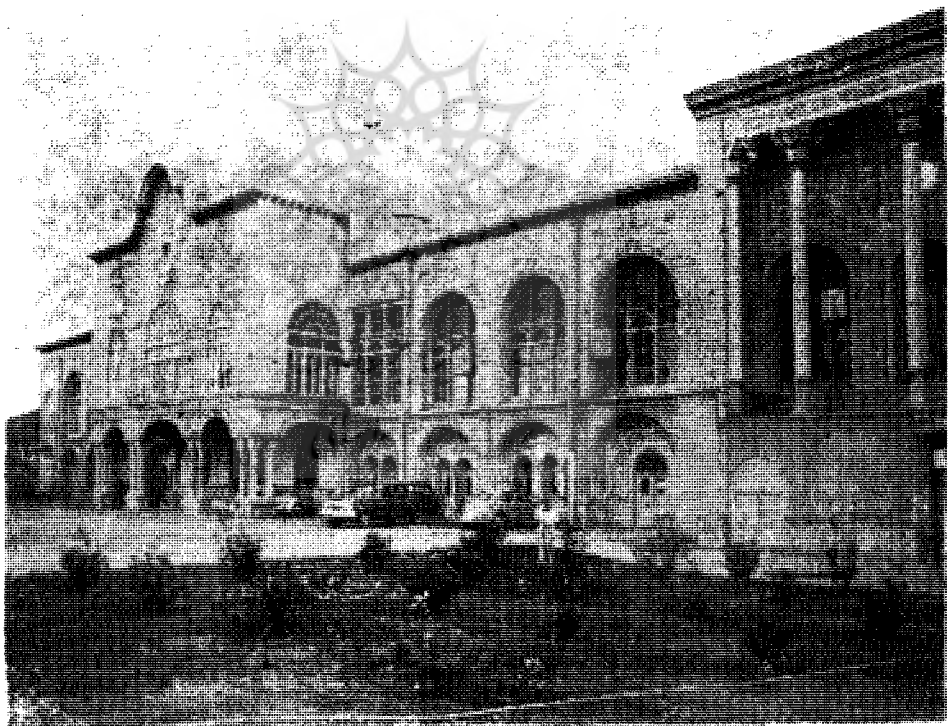
سر دروزارت آموزش و پرورش

در سال ۱۸۹۲ م برابر ۱۳۱۰ هـ
تألیف کرده و معروفیت جهانی دارد و
کتاب بزرگی است در دو مجلد از بهترین
آثار قلمی اوست این وزیر بزرگ و فرمان-
فرمای هندوستان در ۱۸۵۹ م تولد و در
۱۹۲۵ م در لندن وفات یافته است لرد
کرزون Lord G. Curzon از
مشاهیر رجال تاریخی انگلیس در قرن
نوزدهم و اوایل قرن بیستم میباشد وی در
آن کتاب از بنای عمارت مسعودیه جزو
ابنیه مهم طهران یاد می کند و عکس نمای
شمالی آنرا که هم اکنون بینه موجود

شاهزاده مذکور که داعیه ولیمهدی و
سلطنت داشت در عهد پدرش در حدود ۱۲۸۶
بر نصف ایران یعنی ایالات و ولایات فارس
و عراق و کرمانشاهان و کردستان و لرستان
و خوزستان حکومت داشت و یکی از رجال
متشخص و بنام زمان خود بود و آن عمارت
که مرکب از باغ وسیع و ساختمان رفیع
اصلی و چهار حیاط خلوت اطراف آن است
چنان بنا کرده بود که روزی قصر سلطنت
ایران بشود. لرد کرزون وزیر معروف
انگلیسی در کتابی که بنام ایران و مسائل ایران
«Persia and Persian Question»

است در کتاب خود درج کرده . ظل السلطان در سال ۱۲۹۱ هـ ق . با کمال جاه و جلال بطهران آمده و از پدز تاجدار خود در همین عمارت مسعودیه مهمانی شاهانه بر پا کرده و شاه خود به آنجا آمده فرزند را ظاهراً قرین نوازش ساخت غافل از آنکه فردای همانروز او را از ایالت‌های تابعه تماماً معزول کرده فقط حکومت شهر اصفهان را برای معاش او مقرر کرد . وقتی که آن شاهزاده این عمارت را می‌ساخت آن محله که بنام « نگارستان » موسوم است محلی بسیار آباد و مهم و مرغوب شهر طهران بود باغ سلطنتی نگارستان در شمال میدانی که اکنون

جلو خان مجلس شورای ملی است از ابنیه دوره محمد شاهی است و اطراف آن رجال و بزرگان عمارات بسیار بسیک معماری آن عصر ساخته بودند که از آن جمله باغ بهارستان (مقر مجلس شورای ملی) و مسجد سپهسالار جدید در جنوب آن هر دو بنای حاج میرزا حسین خان قزوینی سپه سالار بود که هنوز هم هر دو باقی و موجودند و در طرف جنوب میدان عمارت نظایه و باغ آن بنای میرزا آقا خان نوری صدر اعظم قرار داشت . از باغ نگارستان جز مدرسه دانشسرای عالی و مدرسه صنایع مستظرفه (کمال الملک) عمارت وزارت



نمای ضلع غربی عمارت مسعودیه وزارت آموزش و پرورش

فرهنگه و هنر و سازمان برنامه اکنون
چیزی باقی نمانده و قطعات اطراف آن
خانه‌های شخصی ساخته شده است .

تنها حوضی در شمال باغ دانشسرای
عالی است که در عمارت آن وزیر دانشمند
قائم مقام فراهانی را بامر محمد شاه بقتل
رسانیدند .

باید دانست که سلطان مسعود میرزا
علاوه بر عمارت مسعودیه در محوطه شمال
آن نیز پارکی بنا نهاد که خیابان صفی
علیشاه و خانقاه و خیابان خیام در اطراف
آن پارک قرار داشته و در وسط آن بامصالح
آن زمان (چوب و آجر) عمارتی مرتفع
در چهار طبقه ساخته و پرداخته که بسیار
بدیع و تازه بنظر می‌آمد هر وقت از
اصفهان به طهران می‌آمد در آنجا اقامت
می‌کرد . از دیوار شمالی این پارک هنوز
چند طاق نما در جنوب خیابان هدایت دیده
میشود ولی پارک و عمارت آن بکلی قطعه
قطعه شده و ورثه اراضی آنرا باشخاص
عدیده فروخته‌اند . اما عمارت مسعودیه بعد
از وفات صاحب آن به پسرش جلال‌الدوله
بارت منتقل گشت و بعد از او به ملکیت
زوجه او خانم همدم السلطنه (دختر مرحوم
میرزا یوسف مستوفی الممالک) درآمد ولی
این عمارت متروک شد و روبخوابی میرفت
که ناگهان در سال ۱۳۰۲ ش مطابق با
۱۳۴۳ ق همت عالی و کرامت گرانقدر
مردی بزرگ یعنی اعلیحضرت شاهنشاه
پهلوی آنرا نجات داد .

اولهن کابینه حضرت اهر فرضاخان

سردار سپه در پائیز همان سال تشکیل
گردید و کشور ایران بکدوره عظمت تاریخی
را آغاز می‌نمود . در اواخر سال ۱۳۰۲ ش
بود که مرحوم سلیمان میرزای اسکندری در
کابینه ایشان بسمت وزارت معارف تعیین شد .
رئیس الوزرا از همان وقت میل و علاقه خاصی
بمعارف عمومی کشور یعنی اشاء تعلیم و
تربیت به سبک جدید داشتند . از این رو وقتی به
وزیر معارف امر فرمودند عمارت مسعودیه
از خانم همدم السلطنه خریداری شود و محل
یک مدرسه عالی قرار گیرد ، رئیس الوزرا
با کمال میل و رغبت او را بر این اقدام
مأمور فرمود و حتی قیمت آن عمارت را از
جیب قنوت خود مرحمت نمودند که اگر
اشتباه نکنم وجه آنرا که بیول آن زمان مبلغی
متجاوز از بیست و یک هزار تومان بود شخصاً
پرداختند و قباله نمودند و از آن تاریخ
عمارت مسعودیه ملک وزارت معارف شد و
هم اکنون در سر در ورودی باغ مسعودیه
در یک نیم تاج بسیار زیبا از کاشی بخط نستعلیق
درشت این عبارت دیده می‌شود . کتیبه‌ای که
از چهل و هفت سال قبل تاکنون باقی مانده
و خوشبختانه دست حوادث و انقلابات و
دولتهای گوناگون بر آن لطمه وارد نکرده
است . این است که به عینه نقل میشود :
هدیه حضرت اشرف سردار سپه
رئیس الوزرا و فرمانده کل قوا بمعارف
ایران ، این کتیبه تاریخی که یک غلط
املاتی کوچک در آن دیده می‌شود از آن زمان
باقی است و می‌گوید .



نمای عمارت مسعودیه در خیابان اکباتان

محل موجود و سر در زیبای آن مشرف به خیابان ناصر خسرو دیده می‌شود.)
 مسعودیه که تا آن تاریخ بيمصرف مانده بود و این بنده که در آن زمان به تصدی اداره تفتیش (بازرسی) معارف منصوب بودم، مأمور تعمیر و مرمت آن گردیدم بعد معلوم شد که سبک اطاقها و ساختمان بنا که برای سکونت شخصی ساخته شده بود متناسب با «دارالمولوم» ندارد و می‌بایستی برای آن کار فکر دیگری کرد. در سال ۱۳۰۳ ش مرحوم نظام‌الدین حکمت (مشارالدوله) در کابینه حضرت اشرف سردار سپه بسمت

ان آثار ناتدل علینا

فانظروا بعد نالی الآثار
 از زمان تأسیس وزارت علوم و زمان علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه در طول مدت قریب يك قرن محل آن وزارت در بالای خانه‌هایی بود که از يك طرف مشرف به خیابان ناصریه (ناصر خسرو) و از یکطرف بر پشت بام اطاقهای مدرسه دارالفنون قرار داشت (این بالاخانه‌های بسیار ویرانه در تجدید بنای دارالفنون ۱۳۱۰ ش بکلی منهدم و عمارت فعلی دارالفنون که از ساختمانهای برجسته‌ههد پهلوی است، در آن



نظام الدین حکمت (مشارالدوله)

منتقل سازند و این عمل در زمستان همان سال انجام گرفت و ادارات (معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه) بانجا انتقال یافت . مرحوم استاد وحید دستگردی تاریخ آن را در قطعه شیوائی اینچنین یافت : « قصر مسعودیه از پای معارف سر بلند ».

کفالت وزارت معارف بر گزیده شد، تعمیرات و تنظیف کاخ مسعودیه خاتمه پذیرفت . چون ملاحظه نمودند که آن بنای عظیم و مجلل بی مصرف خواهد ماند، تصمیم گرفتند که دستگاه وزارت معارف را از تنگنای آن بالا خانه ها نجات داده بایسن عمارت جدید

که بحساب جمل ۱۳۴۳ هـ ق بیرون
میآید .

عمارت اصلی مشرف به باغ و حیاط
های خلوت اطراف آن در شرق خیابان
اکباتان شامل اطاقهای متعدد محل مقر
وزارت معارف گردید که بعدها بازجائزنگ
آمده اطاقهای جدیدی در شرق باغ بر آن
مزید کردند . اکنون که وزارت‌های نوین
فرهنگ و هنر ، و وزارت علوم و تعلیمات
عالیه ، و سازمان‌های اوقاف و تربیت بدنی
و غیره ، از آن مجزا شده کاخ مسعودیه
منحصراً محل وزارت آموزش و پرورش است .

در اردیبهشت ماه ۱۳۰۴ وزارت معارف
در صدد بر آمد در جشن سالانه ختام
تحصیلات و اعطاء دیپلم‌ها و تصدیق نامه‌ها
و جوایز دانشجویان را در عمارت جدید
با حضور رئیس الوزرا برپا سازد و رئیس
دولت بقدم خود معارفیان را مفتخر نمایند .
ایشان نیز این دعوت را با کمال مسرت
پذیرفتند و روز ۲۱ اردیبهشت آن سال آن
مجلس مجلل در کمال شکوه و آراستگی
تشکیل گردید . این بنده باقتضای سمت خود
مأموریت یافتم که تنظیم مجلس و تهیه
مقدمات پذیرائی و حضور دانشجویان و
دانش‌آموختگان را در آن جلسه برعهده گیرم .
در آن روز مبارک ، هنگامیکه فصل فرح
انگیز اردیبهشت عالم را مانند بهشت ساخته
و طراوت فصل روح افزای بهاری نزهت
گلهای دل‌انگیز رونقی به کمال داشت ؛ نسیم
دلپذیرتری به منتهای لطافت میوزید و
جانرا زنده می‌ساخت و آفتاب مندل و
مطلوب جهانرا به پرتو آسمانی منور می-

ساخت . در ساعت چهار بعد از ظهر آن مجلس
تاریخی در طالار وسیع مرکزی عمارت
مسعودیه تشکیل شد . قریب به پانصد نفر
از وزرا و اعیان زمان و نمایندگان مجلس
و اساتید و دبیرها و افسران عالی مقام
ارتش و بسیاری از دانشمندان و دانش
پژوهان در آن انجمن گرد آمدند و شاگردان
فارغ‌التحصیل به ترتیبی آراسته صف کشیده
در میان سکوت و احترام با نظم تمام در
انتظار موكب رئیس دولت بودند که در آن
وقت تشریف فرمای عمارت شدند . در صحن
باغ فرود آمدند و بر دورنمای آن عمارت
که از انعام والطف ایشان جانی از نو گرفته
بود با يك تبسم مسرت امیز قلبی که از
سیمای ایشان پیدا بود بر آن عمارت نظر
افکنده سپس به طالار پذیرائی تشریف آوردند .
برنامه جلسه شروع شد و مرحوم
مهارالدوله حکمت خیر مقدم عرض کرد
سپس مرحوم دکتر ولی‌الله خان نصر رئیس
کل معارف خطابه بلیغی مشتمل بر سپاس
گزاری از مقام ریاست وزرا و تشکر از
حضار و جوانان دانش‌پژوه به نصایحی حکیمانه
و اندرزهای پدران سخن گفتند و تصدیق
نامه‌ها و جوایز بدست مبارک رئیس الوزرا
اعطا گردید و مجلس با کمال خوشی خاتمه
پذیرفت . یاد دارم که ایشان در موقع
معاودت مرحوم حکمت کفیل وزارت و
مرحوم دکتر نصر و این بنده را مورد
الطف و مراحم قرار داده و به انجام
خدمات ووظایف دلگرم ساختند .
این عطیه همایونی و این مجلس
جشن و این همه معارف پروری که از آن
راد مرد بزرگ نمودار شد ، خاطره لطیف
و پر افتخاری است که از خاطر محو و
فراموش نشده و نخواهد شد .